

## طرح نمایش خیابانی قهرمانی

قلی و پدرش در حال بازی رایانه ای هستند. پدر قلی آتش نشان است. ادماهای بازی افرادی هستند با تفنگ های عجیب و غریب که در گیم های (بازی های کامپیوتری) امروزی و خارجی متداول است. پدر در مقابل قلی بازی را باخته است و قلی با هیجان بیشتری در حال ادامه بازی شکست پدر است. پدر، دبه در می آورد و این عصبانیت قلی را در پی دارد و این باعث میشود تا او هر چه در دل گله ای از بزرگتر ها دارد بیرون بریزد و از اینکه ارزو داشته تا پدرش نیز همانند شخصیت این گیم ها قوی و قدرتمند باشد و اینکه در رویاهایش ارزوی داشتن تفنگ های عظیم الجسه داشته و...

اما پدر از این ارزوهای بیجای قلی به خود می آید و شروع به مقایسه گذشته خود با شخصیت های کذایی موجود در گیم ها میکند. نگاه قصه ی روایت ارش با توجه به شعر سیاوش کسرایی، و مقایسه ان دوران کار پدر و همکاران میکشد. با روایت رشادت ها و خاطرات، قلی به قدرت و ایمان پدر، ایمان می آورد و به گذشته ی او و وجودش به عنوان پدر افتخار میکند.

انگاه تصمیم میگیرد گول تبلیغات شخصیت های کذایی موجود در این بازی هارا نخورد. قسمت های اولیه نمایش با موسیقی جاز و بازی های اغراق شده حالت های طنز و فاننزی دارد اما در قسمت های بیان خاطرات شیوه ی نقالی ایرانی صورت میپذیرد که پرده هایی نقاشی شده از قسمت های مختلف کاری پدر از جمله روایت انقلاب ۵۷ و کارهایی که پدر در ان زمان برای پیروزی انقلاب کرده و نصب میشود و با مقایسه فضای تبلیغاتی و غرب زده اوایل نمایش با فضای سنتی و قهرمانی پدر و حماسه های ایرانی و رشادت های پدر، قلی سر عقل آمده و با غرور پدر را تشویق میکند و از مردم هم میخواهد تا او را تشویق کند و نمایش به پایان میرسد.

این نمایش با چهار بازیگر قابل اجرا خواهد بود.